



15th International Conference on

Humanities
Social Sciences and Lifestyle

www.Hsiscnf.ir

پانزدهمین کنفرانس بین المللی
علوم انسانی، اجتماعی و سبک زندگی | اسپانیا

15 th international conference on Humanities, Social Sciences and Lifestyle



عنوان : بررسی فقهی تعیین جنسیت فرزند در فقه امامیه

نویسنده اول: فاطمه برهانی

مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه

نویسنده دوم: مریم برقی (نویسنده مسئول)

مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه

چکیده

تعیین جنسیت فرزند که با هدف پیشگیری از بیماری های وابسته به جنس و علاقه والدین به فرزند خاصی صورت می گیرد، به والدین شانس شروع بارداری با علم به سالم بودن جنین و عاری بودن از هرگونه اختلال ژنتیکی و ناهنجاری را می دهد. هدف از پژوهش حاضر که در محدوده فقه و به روش توصیفی-تحلیل با استفاده از منابع معتبر کتابخانه ای گردآوری شده است، به بررسی فقهی تعیین جنسیت فرزند از نظر فقهای امامیه صورت گرفته است. نتایج تحقیق به این صورت است: فقهای امامیه با استناد به قواعد فقهی مانند قاعده لاضرر، لاجرح و اصله البرائه به جواز تعیین جنسیت فرزند (البته در مواردی که منجر به فساد و خطری برای جامعه و فرد نشود) بر اساس استفتائاتی که از آن ها شده است، حکم داده اند.

واژگان کلیدی : تعیین جنسیت ، جنین ، فرزند ، فقه امامیه ، تشخیص ژنتیکی پیش از لانه گزینی .



۱. بیان مساله

روند تکامل و پیشرفت های علمی بشر بیانگر این حقیقت است که انسان ها با برنامه ریزی و آینده نگری در صدد این بوده است که با قوه انتخاب و اختیاری که دارد، مسیر زندگی خود و آینده خود را در دست گیرد. یکی از این پیشرفت های علمی که محدوده قدرت انتخاب انسان را افزایش داده، انتخاب جنسیت فرزندان از طریق تشخیص ژنتیکی پیش از لانه گزینی (PGD) است. تعیین جنسیت فرزند از جمله مسائلی است که در فقه امامیه به عنوان یکی از مسائل حساس و مهم مورد بررسی قرار گرفته است. اهمیت این موضوع از آنجایی است که تعیین جنسیت فرزند تاثیر بسزایی بر مسائلی نظیر میراث، وراثت و حقوق بشری دارد. هدف از تحقیق حاضر بررسی فقهی تعیین جنسیت فرزند از نظر فقه امامیه می باشد. تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی در محدوده فقه با استفاده از منابع معتبر کتابخانه ای می باشد.

تعیین جنسیت فرزند اگر چه ممکن است از لحاظ پزشکی و قانونی و اخلاقی و شرعی مورد تایید واقع شود، اما قطعا با انتقادات و ایرادهایی مثل تغییر در خلقت الهی و اراده خداوند، رواج تبعیض جنسیتی و عدم توازن جنسی در جامعه مواجه خواهد شد. بنابراین ضروری است که از نظر فقه مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین سوال اصلی تحقیق، نظر فقهای امامیه در مورد تعیین جنسیت فرزند چیست؟ می باشد.

۲. مفهوم تعیین جنسیت

برای روشن شدن هر موضوع و مبحث در ابتدا باید کلمات مهم و کلیدی تعریف گردد.

واژه تعیین در لغت به معانی مختلف از جمله: «معین سازی، گزینش، منصوب کردن و برگماشتن به کار می رود.» (جوهری، ۱۴۱۰، ۲۱۷/۶) واژه جنس به معنای «آنچه که شامل انواع متعدد از یک نوع باشد، آمده است. مثل حیوان که شامل انسان و سایر جانداران می شود و جنسیت به معنای حالت یا ماهیت جنس، خاصیت جنسی، تجانس، هم گرایی و دارا بودن تمایلات جنسی است.» (عمید، ۱۳۹۰، ۱۰۵/۱) «تعیین جنسیت به معنای شیوه ای است که برای کنترل و گزینش جنسیت ژنتیکی جنین استفاده می شود. در این فرآیند، تخمک ها را از رحم مادر خارج کرده و با اسپرم همسرش بارور می کنند. سپس از هر یک از جنین ها نمونه ای گرفته شده و برای ارزیابی ژنتیکی فرستاده می شود تا سلامت و جنسیت آن بررسی شود. در نهایت، جنین انتخاب شده سالم (پسر یا دختر) به داخل رحم مادر منتقل شده و جنسیت نوزاد تضمین می شود.» (strange, 2010)



۳. روش های انتخاب جنسیت فرزند

برای تعیین جنسیت روش های متفاوتی وجود دارد که به طور کلی به دو دسته تقسیم بندی می شوند: «دسته اول شیوه های طبیعی و سنتی هستند که با تغییر موقعیت محیطی بدن مادر، احتمال مذکر یا مونث شدن جنین را افزایش می دهند و دسته دوم شیوه های آزمایشگاهی اند که از طریق پزشکان در مراکز درمان ناباروری و زنتیک انجام می گیرند.

مزیت روش های دسته دوم این است که درصد ضریب اطمینان این روش ها نزدیک به ۱۰۰ درصد است اما با روش های دسته اول شانس داشتن جنین با جنسیت دلخواه در بهترین حالت فقط چیزی در حدود ۸۰ درصد است. استفاده از روش تشخیص ژنتیکی قبل از انتقال جنین به رحم (PGD)، بهترین روش مناسب برای این منظور است. در این روش ابتدا به برخی داروها تخمدن زن تحریک می شود تا چند تخمک آزاد و سپس لقاح آزمایشگاهی انجام می شود. سپس یک سلول از توده سلولی که تشکیل شده (هشت سلولی) و آماده انتقال به رحم مادر است، جدا می کنند. با گذاشتن این سلول زیر میکروسکوپ، دختر یا پسر بودن جنین مشخص می شود. پس از آن می توان با جدا کردن سلول مدنظر، جنین دختر یا پسر را به رحم مادر انتقال داد.» (هارپر و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۳)

۴. اهداف تعیین جنسیت فرزند

۴-۱ برای پیشگیری از بیماری های وابسته به جنس (X) (دلیل پزشکی): «جلوگیری از بیماری های ژنتیکی وابسته به X یکی از مهمترین اهداف انتخاب جنسیت جنین به روش PGD است و اولین کاربرد PGD نیز تشخیص جنسیت جنین برای زوج های ناقل اختلالات ژنتیکی وابسته به X بود (هارپر و همکاران، ۱۳۸۴؛ رابرتسون، ۲۰۰۳؛ فرگیولی، ۲۰۰۷؛ ۲۰۱: ۲۰۱) «البته به علت نادر بودن بیماری های وابسته به کروموزوم Y، بیماری های وابسته به کروموزوم X را مترادف با بیماری های وابسته به جنس به کار می برند.» (شمس لاهیجانی، ۱۳۸۴: ۲۰۷)

«بیماری های نهفته وابسته به X مسئول ۷ یا ۶ درصد نقص های تک ژنی هستند و وضعیتهایی مانند دیستوفی عضلانی دوشن، هموفیلی، سندرم های گوناگون و انواع خاصی از عقبماندگی ذهنی را شامل میشوند. مادری که ناقل جهشی بر روی یکی از کروموزومهای X است، ژن معیوب را به نصف فرزندانش منتقل می کند. دخترانی که جهش را به ارث می برند، مانند مادرانشان فقط ناقل هستند، اما فرزندان پسر که جهش را به ارث می برند، مبتلا خواهند شد؛ زیرا کروموزوم Y به ارث رسیده از پدر، حامل ژنهای مشابه نیست.» (صاحب کشف و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۸)



«شایان ذکر است که بیش از سیصد بیماری وابسته به X وجود دارد که برای بعضی از این بیماریها، روشهای تشخیصی خاصی به صورت پیش از تولد یا بعد از تولد وجود دارد. اما موقعیت و جهش بسیاری از بیماریهای وابسته به X ناشناخته است و انجام دادن هیچگونه آزمایشی برای آنها امکانپذیر نیست. در این موارد آنچه قبلاً ارائه می شد، تعیین جنسیت جنین با انتخاب ختم حاملگیهای جنس مذکر بود، با علم به اینکه فقط ۵۰ درصد جنینهای مذکر مبتلا هستند.» (اگزکو، ۲۰۰۰، ۲۱) «اما با تعیین جنسیت به وسیله تشخیص ژنتیکی پیش از لانهگزینی برای اینگونه بیماریهای وابسته به جنس، می توان از چنین پیامدهایی جلوگیری کرد.» (هارپر و همکاران، ۱۳۸۴، ۲۵۶-۲۵۸)

۴-۲ تعیین جنسیت به دلیل علاقه والدین به جنسی خاص یا ایجاد توازن جنسیتی در خانواده (دلیل

غیر پزشکی): «درخواست PGD برای انتخاب جنسیت به دلایل غیر پزشکی توسط دو گروه صورت میگیرد:

الف) افرادی که مایل به انتخاب جنسیت فرزند اول خود هستند، که اغلب این افراد با توجه به آداب و رسوم فرهنگی، ترجیح میدهند که فرزند اولشان پسر باشد.

ب) افرادی که در حال حاضر فرزندی از یک جنس دارند و مایل به داشتن فرزندی با جنس مخالف با فرزند قبلی خود هستند.» (رابرتسون، ۲۰۰۳، ۴۶۸)

۵. دیدگاه فقهای امامیه در تعیین جنسیت فرزند

به دلیل اقدام بسیاری از خانواده ها به انتخاب جنسیت فرزند دلخواه، اندک اندک این موضوع به صورت یکی از موضوعات مهم و پرچالش است. «این تکنیک که از سال های گذشته در برخی کشورهای پیشرفته استفاده می شود، غالباً به منظور تعیین جنسیت جنین هایی که در معرض امراض وراثتی نظیر هموفیلی قرار دارند، به کار می رود و انتخاب جنسیت به صرف علاقه والدین به داشتن فرزند پسر یا دختر در بیشتر کشورها معمول نیست.» (Vivill, 1997)

البته در طرف مقابل، عده ای هم با انتخاب جنسیت فرزند به دلخواه والدین موافق هستند و معتقدند در مواردی که برخی از والدین به دلیل اشتیاق به داشتن دختر و پسر، چندین بار صاحب فرزند می شوند ولی راه به جایی نمی برند، استفاده از این روش می تواند در جلوگیری از افزایش جمعیت موثر باشد. «مخالفتان تعیین جنسیت، آن را مقدمه ایجاد نوعی تبعیض جنسیتی در جامعه، بهم ریختن تناسب جمعیتی و مختل کردن روند عادی تولیدمثل می دانند و موافقان، تعیین جنسیت را از حقوق طبیعی زوجین به شمار آورده و آن را در تنظیم خانواده و پیشگیری از حاملگی مکرر و پرخطر، کمک کننده می دانند.» (Sureau, 1999)



« مخالفان تعیین جنسیت جنین بر این عقیده اند که نطفه از لحظه لقاح اسپرم با تخمک و مراحل بعدی تکوین جنسیت دارای هویت و شخصیت انسانی است؛ پس نمی توان با جدا کردن یک سلول از نطفه، به آن صدمه وارد کرد. همچنین به نظر آن ها طبق آیه «یهب لمن یشاء اناثا و یهب لمن یشاء الذکور؛ به هر کس بخواهد دختر و به هر کس بخواهد پسر می دهد» (شوری: ۴۹) و آیه «هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء ؛ و کسی است که شما انسان ها را در رحم ها به هر طور که بخواهد صورتگری می کند» (آل عمران: ۶)، دختر یا پسر بودن نوزاد به دست خدا است و نیز مصالح و مفاسد را فقط او می داند و بر اساس آن به بعضی پسر و دختر می دهد.» (ابوالبصل، ۱۴۲۱، ۷۲۱/۲)

« موافقان پس از پاسخ به استدلال های مخالفان، معتقدند دلیلی بر حرمت انتخاب فرزند وجود ندارد و اصل اولی در هر چیزی اباحه است.» (یاد احمد، ۲۰۰۳، ص ۱۲۸)

۵-۱ دیدگاه موافقان تعیین جنسیت جنین

بیشتر فقهای امامیه، تعیین جنسیت جنین را جایز انسته اند. (خامنه ای؛ استفتائات در سایت معظم له؛ هاشمی شاهرودی، پایگاه اینترنتی معظم له)

ادله فقهای قائل به جواز تعیین جنسیت

۱- جواز معالجه و پیشگیری از بیماری :

بررسی متون اسلامی به روشنی نشان می دهد که یکی از اهداف اصلی و حکمت های مهم احکام و مقررات اسلامی، طب پیشگیرانه، از طریق پیشگیری از بیماریها و تأمین سلامت انسان است. بر این پایه، در اسلام، آنچه برای سلامت جسم و یا جان خطرناک و زیانبار است، حرام یا مکروه است و آنچه برای سلامت انسان، لازم و مفید است، واجب یا مستحب، و آنچه سود و یا زیانی برای جسم و یا جان ندارد، مباح شناخته شده است. این بدان معنا است که طب پیشگیری در متن مقررات و احکام پنج گانه اسلام، تنیده شده و اجرای کامل و دقیق قوانین الهی در زندگی، سلامت جسم و جان انسان را به همراه دارد.

جواز معالجه بیماریها امری است که برخی از آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار (ع) به آن اشاره دارند. مثلاً خداوند در قرآن کریم میفرماید: «و اوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا و من الشجر و مما یرشون ثم کلی من کل الثمرات فاسلکی سبل ربک ذللا یرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیہ شفاء للناس » (نحل: ۶۹ و ۶۸) طبق



این آیه اگر شفا دادن و معالجه بیماریها امر ناروایی بود، قطعاً خداوند در بسیاری از گیاهان و اشیای موجود در طبیعت، خاصیت دارویی و شفادهی قرار نمی داد. در روایتی رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: «بیماری را درمان کنید؛ زیرا خداوند متعال بیماری و دردی را نازل نکرده، مگر آنکه دوایی برای آن قرار داده باشد.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۲۴/۲۵)

البته در اینجا باید روشن شود که آیا امر به مداوا توسط رسول خدا (ص) برای وجوب است یا ارشاد؟ «برخی به دلیل دفع ضرر از نفس، قائل به وجوب مداوا شده اند.» (محسنی، ۱۴۲۴، ۹/۱) اما در واقع باید گفت: «منافاتی بین وجوب و امر ارشادی وجود ندارد؛ چرا که امر ارشادی، صوری و ظاهری است که بهره ای از طلب واقعی ندارد و صرف تشویق و راهنمایی مکلف به امتثال اوامر اولی و احراز مصلحتهای آن است.» (فیض، ۱۳۸۷، ص ۱۹۰) «لذا خود اوامر ارشادی از سوی شارع مقدس در بردارنده الزام به چیزی نیستند، بلکه در الزام داشتن یا الزام نداشتن، تابع آن موردی هستند که خبر از وجود مصلحت در آن داده شده است. پس اگر مصلحت در آن بهقدری باشد که دستیابی به آن ضروری و لازم باشد، امتثال از امر ارشادی نیز لازم و واجب خواهد بود؛ مانند دستورات پزشک به مریض مبتنی بر نوشیدن دارویی که جنبه سلامت بدن و نجات او از مرگ، ضروری است یا مانند امر به اطاعت در آیه شریفه «أطيعوا اللَّه و أطيعوا الرسول» (شیخ انصاری، ۱۴۱۹، ۲/ ۱۵۱؛ نائینی، ۱۴۱۷، ۳/ ۱۲۰)

بنابراین تعیین جنسیت به منظور پیشگیری از بیماریهای وابسته به جنس، نوعی معالجه و درمان محسوب میشود که با توجه به حدیث پیامبر اکرم (ص) می توان آن را جایز و روا دانست .

۲- قاعده لاضرر:

«این قاعده از جمله قواعدی است که در تمام ابواب فقه جاری میشود و شکی نیست که نفی ضرر و ضرار، از اموری است که علاوه بر آنکه مواردی از آیات قرآن و بسیاری از روایات بر آن دلالت دارند، عقل نیز مستقلاً به آن حکم میکند.» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۲۸/۱) و «ضرر در این قاعده، بر معنای عرفی آن حمل می شود که شامل ضرر معنوی مانند آسیبهای روحی یا لطمه وارد کردن به موقعیت اجتماعی و ضرر مادی مثل آسیب رساندن به جان و مال افراد میشود.» (جمالی، ۱۳۵۰، ص ۶۶)

بنابراین به نظر میرسد که قاعده لاضرر حکم جواز تعیین جنسیت برای پیشگیری از بیماریهای وابسته به جنس را (به دلیل اینکه احتمال ضرر در این گونه موارد قطعی و یقینی است) وضع میکند .



۳- قاعده نفی عسر و حرج:

این قاعده که در آیاتی از قرآن و روایات به آن اشاره شده و خداوند فرموده است: «ما جعلَ عَلَیْکُمْ فی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ» (حج: ۷۸) «ناظر به تمامی قانون های اسلام است و به برخی احکام ویژه اختصاص ندارد و هرگاه در اثر عمل به احکام، مکلف در عسر و حرج قرار گیرد، این احکام و الزامات از عهده او برداشته میشود.» (محقق داماد، ۱۳۸۴، ص ۸۹)

با دقت در روایاتی که در این باب وارد شده اند، مانند روایت عبدالاعلی مـولی آل سـام که به امام صادق (ع) عرض میکند: «زمین خورده ام و ناخنم جدا شده و انگشت خود را با پارچه بسته ام، حال چگونه باید وضو بگیرم. حضرت میفرمایند: حکم این قضیه و مانند آن از کتاب خدا روشن میشود؛ زیرا خداوند فرموده است که در دین بر شما حرجی قرار داده نشده است. پس بر آن مسح کن.» (کلینی، ۱۴۲۹، ۵/ ۱۰۵؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۱/ ۳۶۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱/ ۴۶۴) همچنین روایاتی که «حکم وجوب روزه از پیران و بیماران را نفی کرده است.» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۲/ ۱۳۳) و مانند اینها روشن میشود که «منظور از نفی حرج، حرج شخصی است، به این معنا که هر فردی از مکلفان ببیند تکلیفی برای او حرجی شده است، لازم نیست به آن عمل کند و منظور حرج نوعی نیست که مکلف فقط در صورتی تکلیف را از خود ساقط بداند که بر نوع مردم حرجی باشد.» (میرمحمدی، بی تا، ص ۱۴)

طبق این قاعده تعیین جنسیت به منظور داشتن فرزند سالم و عاری از بیماری های ژنتیکی جایز خواهد بود؛ زیرا در این غیر صورت پدر و مادر گزینه هایی مانند اقدام به سقط جنین، تقبل هزینه های سنگین درمان و نگهداری کودکان متولدشده با بیماریهای ژنتیکی و به تبع آن تقبل آسیب های روحی و روانی ناشی از آن و در نهایت عقیمی را در پیش رو خواهند داشت. (لاوری و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۲۴۶)؛ رک: نوری زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰)

۴- اصله البرائه :

در توضیح این اصل باید یادآور شد نقش اساسی برائت، تعیین وظیفه عملی برای مکلف در صورت شک در حکم واقعی، پس از فحص از دلیل و یأس از آن است که به دو قسم برائت شرعی و عقلی تقسیم میشود. «همه اصولیان در اینکه در شبهات حکمیه با استناد به آیات قرآن و روایاتی مانند حدیث رفع، اصل برائت شرعی جاری میشود، تردیدی ندارند. اما در جاری شدن برائت عقلی در شبهات حکمیه بین مشهور اصولیون و شهید صدر اختلاف نظر وجود دارد.



شهید صدر قائل به احتیاط عقلی مبتنی بر حق الطاعه، در موارد احتمال وجود تکلیف است که ایراداتی بر این نظریه وارد شده است، مانند ۱. بدیهی نبودن حکم عقل به حق الطاعه؛ چرا که شهید صدر (ره) معتقدند که حق الطاعه از بدیهیات عقل عملی است؛ ۲. این نظریه به نوعی تراحم و تنافی در مقتضیات عقل عملی منجر میشود. (لاریجانی، ۱۳۸۱، ص ۱۳-۱۴). ۳. از نظر لوازم خارجی از جمله لزوم احتیاط در هر موردی که احتمال وجود غرض الزامی برای مولا باشد، این نظریه التزام پذیر نیست. (لاریجانی، ۱۳۸۱، ص ۱۵)

گذشته از این موارد باید متذکر شد که «در اصل پسندیده بودن احتیاط، از نظر عقل، عقلا و شرع اختلافی نیست و نزاع بر سر مصداق و تشخیص مورد است و اگر احتیاط ورزی در این موارد و مصداقها به عسر و حرج، اختلال نظام، عقب ماندگی علم و صنعت و دانش و وهن مذهب منجر شود، جایز نیست و ناپسند شمرده میشود.» (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۳۳)

۵-۲ دیدگاه مخالفان تعیین جنسیت جنین

در برخی از استفتائات آمده است: «تصرف در جنینی که خلقت آن تکوین یافته و جنسیت آن محرز شده، خالی از اشکال و منع شرعی نیست.» (آیت الله مبشر کاشانی، پایگاه اینترنتی معظم له)

دلایلی که قائلین به منع در تعیین جنسیت فرزند آورده اند:

۱- دخالت در مشیت الهی :

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَورَ». (شوری: ۴۹) در تفسیر این آیه آورده اند: «هر گونه نعمت و رحمت از ناحیه خداست و هیچکس از خود چیزی ندارد، مالکیت آسمانها و زمین برای اوست، هر چه بخواهد میآفریند و در همه چیز مشیت مطلق خداوند حاکم است و نمونه روشن مشیت الهی این است که به هر کس اراده کند، دختر میبخشد و به هر کس بخواهد پسر.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۵۰۸/۲۰-۵۱۰)

برخی بر مبنای این سخن خداوند، برداشت کرده اند که «تعیین جنسیت با اراده و مشیت مطلق خداوند یا به عبارت دیگر با توحید افعالی پروردگار سازگاری ندارد؛ چرا که این عمل نوعی دخالت در افعال و مشیت الهی است.» (محسنی، ۱۴۲۴، ۱۰۷/۱)



اما « خداوند انسان را مختار آفریده است که در چارچوب قوانین الهی می تواند در جریان امور عالم دخالت کند و جهان را با اذن الهی تغییر دهد. و مسخر خود کند.» (دژکام و عباس زاده، ۱۳۹۰، ص ۵۵) همچنین طبق آیه ۳۰ سوره بقره در قرآن کریم، انسان خلیفه خداوند در روی زمین است. « خلیفه بودن انسان به این است که توانایی انجام دادن کارهای مستخلف عنه را داشته باشد.» (دژکام و عباس زاده، ۱۳۹۰، ص ۵۶)

۲- تغییر خلقت خداوند :

« برخی قائل به این شده اند که تعیین جنسیت جنین نوعی تغییر خلقت الهی است و از مصادیق ضلالت و گمراهی است. که به آیه شریفه ای از قول شیطان، که چنین بیان می کند: «... قَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيباً مَفْرُوضاً و لَأُضِلَّنَّهُمْ و لَأَمْنِيَنَّهُمْ و لَأَمْرَنَّهُمْ فَلْيَتَّبِعُنَّ أَذَانَ الْأَنْعَامِ و لَمُرَنَّهُمْ فَلْيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ و مَنْ يَخِذِ الشَّيْطَانُ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَاناً مَبِيناً» (نساء: ۱۱۹) استناد کرده اند، که شیطان رانده شده تهدید کرده است که گروهی از بندگان خدا را مسخر اعمال شیطانیش می کند و از جمله آن کارها، شکافتن گوش چهارپایان و تغییر خلقت خداوند است و این کارها بی شک اموری مبعوض خداوند هستند که خداوند آنها را از موارد خسران مبین شمرده است.» (تسخیری، بی تا، ۶۸/۵۲)

در مسالک الافهام آمده است: « در مورد تغییر خلق، دو وجه وجود دارد: یکی اینکه منظور تغییر دین خداست، یعنی خداوند از روزی که انسان را از پشت آدم خارج کرد، آنها را بر فطرت اسلام خلق کرده بود، پس کسی که کافر شود و غیر خدا مانند ماه و خورشید را بپرستد، دین فطری الهی را که مردم بر آن خلق شده اند، تغییر داده است؛ دوم اینکه منظور، تغییرات مربوط به ظاهر خلقت است که در اینصورت شامل کارهایی مانند اخته کردن غلامان خواهد بود که به طور کلی حرام است.» (کاظمی، بی تا، ۴۰۲/۲)

اما مفسران با توجه به تفسیر امام باقر (ع) و امام صادق (ع) از این آیه و همچنین با استشهاد به این کلام الهی که می فرماید: « فاقم وجهک للدين حنيفا فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم» (مائده: ۳) قائل به این هستند که « مراد از تغییر خلقت خداوند، خروج از حکم فطرت و ترک دین حنیف است.» (طوسی، ۱۴۰۹، ۳۳۴/۳؛ طبرسی، ۱۴۲۶، ۲۸۲/۳؛ علامه طباطبایی، ۱۳۹۲، ۸۴/۱۳) « لذا نمی توان برای رد هرگونه تغییر، به این آیه استناد کرد؛ چراکه مراد قسم خاصی از تغییر است که با وسوسه شیطان و به منظور تغییر در دین الهی صورت می گیرد.» (مومن قمی، ۱۴۱۵، ص ۱۶۲)

۳- رواج تبعیض جنسیتی در جامعه :



« مخالفان تعیین جنسیت، آن را مقدمه ایجاد نوعی تبعیض جنسیتی در جامعه، به هم ریختن تناسب جمعیتی و مختل کردن روند عادی تولید مثل می دانند. براساس این رویکرد، اگر این تکنولوژی در اختیار همگان قرار گیرد، تناسب دو جنس عالم طبیعت به هم می خورد.» (خلف، ص ۱۳۷) نظام طبیعت به گونه ای است که نتیجه آن برقراری تعادل و تناسب میان زن و مرد است، اما تعیین جنسیت سبب به هم خوردن این تناسب و در نتیجه ایجاد نتایج نامطلوب می شود. چراکه اکثر خانواده ها خواستار نوزاد پسر هستند که اگر بتوانند به این خواسته خود برسند، توازن جمعیتی در آینده مختل خواهد شد.

اما « به علت سنگین بودن هزینه های PGD به نظر نمی رسد که این روش برای انتخاب جنسیت فرزندان در مقیاس گسترده استفاده شود.» (رابرتسون، ۲۰۰۳، ص ۲۱۵)

۶. حکم اولی و حکم ثانوی در تعیین جنسیت فرزند

طبق نظر فقهای امامیه اصل اولی در تعیین جنسیت اباحه می باشد.

«تکنولوژی گزینش جنسیت جنین، نتیجه سال ها تحقیقات و آزمایش های گسترده علمی دانشمندان علوم ژنتیکی است که توانسته اند. در طی سال های اخیر به آن دست یابند. اصل این پدیده، صرف نظر از پیامدهای مثبت و منفی آن، حرام است و منهی عنه و مبغوض شارع مقدس یا جایز است و مباح؛ یعنی دوران امر بین حرام و غیرواجب است. صدور هر یک از این دو حکم به ویژه حرمت آن، محتاج به اقامه بینه و ارائه ادله است. راجع به اباحه چندان نیازی به طرح ادله نیست؛ چون اگر حرام بودن آن ثابت نشود، مطابق با موازین اصولی حلال بودن آن ثابت می شود.» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۳۸)

پس بر اساس اصل حلیت و با توجه به نبود دلیل معتبری که بتواند تعیین جنسیت جنین را از این اصل خارج سازد، می توانیم حکم به حلیت بهره گیری از این تکنیک به صورت مطلق کنیم. همچنین بر اساس آیاتی از قرآن کریم مانند: «سخر لکم ما فی السماوات و ما فی الارض جمیعاً» (جاثیه: ۱۳) و «خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» (بقره: ۲۹)، خدای سبحان آنچه را در آسمان و زمین است با رعایت اصل مصلحت در جهت تحقق نظام احسن، به گونه ای خلق کرده که انسان بتواند از آن بهره ببرد. لازمه بهره برداری از این تسخیر امکان تصرف است و لازمه تصرف، حلیت و اباحه است.

طبق نظر گروهی دیگر از فقهای امامیه حکم ثانویه تعیین جنسیت فرزند، جواز محدود است. (مکارم شیرازی، پایگاه اینترنتی معظم له) یعنی جواز انتخاب جنسیت فرزند را مقید به ضرورت و اضرار شدید کرده است. این نگرش بر پایه قواعد فقهی



همچون لاضرر، نفی عسر و حرج، تراحم و هم و مهم، به منظور پیشگیری از انتقال ناهنجاریهای ژنتیکی یا اختلالات کروموزومی به جنین که سبب ضرر به مادر یا تولد جنین های ناقص الخلقه می شود، رای به جواز می دهد. ضرورت و ضطرار نیز در این مساله اقتضا می کند در مواردی که هیچ راهی برای ممانعت از بروز بیماری های ژنتیکی جز استفاده از این تکنیک وجود ندارد، به جواز این تحقیقات حکم دهیم.

طبق این مبنا، زمانی که به سبب بیماری های صعب العلاج و لاعلاج، خطر رنج و درد برای مادر یا جنین وجود داشته باشد، بهره گیری از این تکنیک توجیه پذیر است؛ زیرا خداوند هرگونه الزامی را که سبب شود مکلفان از انجام آن به رنج و مشقت بیفتند، از دایره احکام خود برداشته است. در واقع طبق قواعد فقهی مطرح شده، می توان انتخاب جنسیت را جهت جلوگیری از بیماری به مادر یا انتقال ژن های معیوب به جنین جایز دانست. (جوانمرد فرخانی و جاور، ۱۴۰۰)

۷. نتیجه گیری

تعیین جنسیت فرزندان از طریق PGD برای دلایل پزشکی مانند بیماریهای اختلال ژنتیکی وابسته به جنس، از نظر فقههای امامیه به دلیل جواز درمان و پیشگیری از بیماری، هیچ مخالفتی دیده نشده است. در موارد دلایل غیر پزشکی مانند علاقه والدین به جنس خاصی از فرزند، عده ای از فقها با تمسک به قواعد فقهی لاضرر و لاحرج تعیین جنسیت را جایز دانستند. اما در مقابل عده ای با تمسک به برخی دلایل مانند تغییر در خلقت خداوند و مخالفت با مشیت الهی با مخالفت هایی روبرو شد، اما هیچ یک از ادله مذکور، برای اثبات حرمت تمام نیست، می توان در اثبات جواز و حلیت آن به عنوان حکم اولی، به اصل برائت تمسک کرد.

البته اگر تعیین جنسیت مفسد و خطراتی را مترتب شود مانند رواج تبعیض جنسیتی در جامعه یا جامعه جمعیت اریب داشته باشد یعنی در آن نسبت جمعیت یک جنس افزایش و جنس دیگر کاهش داشته باشد، می توان آن را ممنوع کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابوالصل، عبدالناصر موسی، ۱۴۲۱، الهندسه الوارثیه من منظور شرعی و هو ضمن کتاب دراسات فقهیه فی قضایا طیبه

معاصره، اردن: دارالتفانس.

۲. ایاد احمد، ابراهیم، ۲۰۰۳، الهندسه الوارثیه بین معطیات العلم و ضوابط الشرع، عمان: دارالفتح.



۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم، ۱۴۰۹، کفایه الاصول، قم: آل البيت.
۴. تسخیری، محمدعلی، بی تا، نگاهی به موضوع شبیه سازی انسان به کمک تکنولوژی جدید، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، چ اول، ج ۵۲، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۵. جمالی، جمال الدین، ۱۳۵۰، لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام، نشریه کانون، دوره اول، شماره ۱، ص ۶۴-۶۷.
۶. جوانمرد فرخانی، ابراهیم، جاور، حسین، ۱۴۰۰، بررسی مشروعیت انتخاب جنسیت جنین در فقه امامیه و اهل سنت، نشریه فقه و اصول، شماره ۱۲۵، ص ۲۹-۴۹.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰، تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دارالعلم للملایین.
۸. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، ج ۱ و ۲۵، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۹. حسینی، سید احمد، ۱۳۸۱، احتیاطهای روا و ناروا، معیارها و ضوابط، نشریه فقه کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۳۵، صص ۵۵-۵.
۱۰. خلف، طارق عبدالمنعم محمد، ۲۰۱۰، احکام التدخل الطی فی النطف البشریه، اردن: دارالتفانس.
۱۱. دژکام، لطف الله و محمد عباس زاده، ۱۳۹۰، درمان ناباروری و تعیین جنسیت جنین در چالش با حکمت و عدالت خداوند، الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی)، سال دوم، شماره ششم، ص ۶۰-۵۱.
۱۲. شمس لاهیجانی، مریم، ۱۳۸۴، تعیین جنسیت و مکانیسم های آن در جانوران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. شیخ انصاری، مرتضی (، ۱۴۱۹، فرائد الاصول، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۴. صاحب کشف، حمید و همکاران، ۱۳۸۶، بررسی ناهنجاری کروموزوم های جنسی در تشخیص ژنتیکی قبل از لانه گزینی، مجله زنان، مامائی و نازائی ایران، دوره دهم، شماره دوم، صص ۱۲۷ - ۱۳۲.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۳، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۲۶، مجمع البیان فی تفسیر القرآن و الفرقان، تهران: انتشارات دارالاسوه للطباعة و النشر.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، التبیان فی تفسیر القرآن، بی جا: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۹. علامه طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۹۲، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۰. علامه مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، موسسه الوفاء.
۲۱. عمید، حسن، ۱۳۹۰، فرهنگ عمید، تهران: امیر کبیر.



۲۲. فیض، علیرضا، ۱۳۸۷، مبادی فقه و اصول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. کاظمی، جواد، بی تا، مسالک الأفهام إلى آیات الأحكام، بی جا.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹، الکافی - (ط الإسلامية)، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۵. لاریجانی، صادق، ۱۳۸۱، نظریه حق الطاعه، پژوهش های اصولی، شماره ۱، ص ۱۱-۲۶.
۲۶. محسنی، محمد آصف (۱۴۲۴). الفقه و مسائل طبیه. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۷. محقق داماد، مصطفی، ۱۳۸۴، قواعد فقه (بخش مدنی ۲)، تهران: انتشارات سمت.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۶، میزان الحکمه، قم: دارالحدیث.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۷، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۱، القواعد الفقهیه (لمکارم)، قم: مدرسه امام امیر المؤمنین - علیه السلام.
۳۱. مومن قمی، محمد، ۱۴۱۵، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. میر محمدی، ابوالفضل، ۶۷-۱۳۶۶، قاعده لا حرج (۲)، مقالات و بررسیها (نشریه گروه تحقیقاتی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، شماره ۴۴ و ۴۳، ص ۱۷-۱).
۳۳. نائینی، محمد حسین، ۱۴۱۷، فوائد الأصول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. نوری زاده و همکاران، ۱۳۸۹، چالشهای اخلاقی تعیین جنسیت به دلایل غیر پزشکی به روش تشخیص ژنتیکی پیش از کاشت جنین، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ص ۱۰۷-۱۳۲.
۳۵. هارپر، جویس و همکاران، ۱۳۸۴، تشخیص ژنتیکی رویان پیش از لانه گزینی، ترجمه دکتر حسین مزدرانی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

36. Egozcue J, Santalo J, Gime'nez C, Pe'rez N, Vidal F (2000). Preimplantation genetic diagnosis, Molecular and Cellular Endocrinology, 77: 21-25
37. Fragouli E (2007). Preimplantation genetic diagnosis: present and future, J Assist Reprod Genet, 24: 201-207
38. Robertson J A (2003). Extending preimplantation genetic diagnosis: medical and non-medical uses, J Med Ethics, 29: 213-216.
39. Strange H, Chadwick R. The Ethics of Nonmedical Sex Selection, Health Care Anal, Volume 18, Issue 3, September 2010.
40. Sureau C. Gender selection: a crime against humanity or the exercise of a fundamental right? Human Reproduction, Volume 14, Issue 4, 1 April 1999.

41. Viville S, Nisand I. Legal aspects of human embryo research and preimplantation genetic diagnosis in France, Human Reproduction; Volume 12 no. 11, December 1997.
42. WWW.HASHEMISHAHROUDI.OHASHEMISHAHROUDI.ORG
43. WWW.KHAMENEI.IR

Abstract

Determining the child's gender, which is done with the aim of preventing sex-related diseases and parents' interest in a particular child, gives parents the chance to start pregnancy knowing that the fetus is healthy and free of any genetic disorders and abnormalities. The purpose of the current research, which was compiled in the field of jurisprudence and in a descriptive-analytical method using reliable library sources, is to investigate the jurisprudence of determining the gender of a child according to Imami jurists. The results of the research are as follows: The Imami jurisprudents based on the jurisprudence rules such as the rule of laharr, laharij and asala al-bara' to allow determining the gender of the child (of course, in cases that do not lead to corruption and danger for the society and the individual) based on the inquiries from them. It has been, they have given a verdict.

Key words: gender determination, fetus, child, Imami jurisprudence, pre-implantation genetic diagnosis.